

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

نویسنده: احمد مزارعی

افزوده از: حمید محوی

۱۵ اپریل ۲۰۱۴

## چرا وبه چه کسانی جایزه می دهند؟

با سلام! دوستان موضوع توطئه دادن "جایزه امریکائی" به رضا شهبابی برای لوٹ کردن جنبش طبقه کارگران ایران را افشاء و رسوا کنید ما هنوز از عواقب کودتای ننگین ۲۸ مرداد رها نشده ایم و هم اکنون هم هر روز برای ایران مشکل تازه ای درست می کنند آنگاه می خواهند به کارگر زحمتکش و فعال ایرانی جایزه بدهند تا نخست خود را از جنایات تاریخی شان مبرا کنند و سپس در میان کارگران اینگونه القاء کنند که امریکا اروپا و نظام سرمایه داری طرفدار کارگر است و این خاک پاشیدن در چشم زحمتکشان است، بکوشیم این توطئه تبهکارانه را افشاء کنیم.

در پیشبرد این توطئه ضد کارگری به احتمال زیاد مهدی کوهستانی بخشی از راه کارگر که از چند سال است مقلد کوهستانی و منشه امیر اسرائیلی شده نقش دارند امروز نیز پیامکی از طرف راه کارگر برای من ارسال شد که در آن اخطار می داد که شما حق ندارید خود سرانه در کار شهبابی شرکت کنید این راه کارگری وقیح با خانم الناز کیا نیز جدل کرده و به ایشان توهین شخصی کرده که ایشان راه کارگری بی ادب را بند کرده بود. اینان از قیل افشاگریهای اینچینی نان خود را آجر شده می بینند. مهدی کوهستانی مدتها برای راه کارگر مقاله می نوشت و گزارش تهیه می کرد نمی دانم اکنون نیز ادامه می دهد یا نه؟ بخشی از راه کارگر به آن درجه از سقوط و انحطاط اخلاقی رسیده اند که اخیراً یکی از ریش سفیدان آنها که "۵۰ سال برای آزادی شعر میسروده" در سخنرانی نماینده "حزب دموکرات ایران" در پارلمان فرانسه شرکت داشته و به قول خود این جناب ریش سفید یعنی حسن حسام، سخنران کلماتی شونویستی اداء می کرد که برای ایشان بسیار سنگین می نموده است، در ماههای اخیر "حزب دموکرات" یک بار خواستار برقراری منطقه پرواز ممنوع بر بالای آسمان کردستان از طرف امریکا شده که حزب بتواند به راحتی جنگ "آزادی کردستان" را پیش ببرد. همین حزب به همراهی کومله اطلاعیه دیگری دادند که گفته می شد آنها آمادگی دارند کردستان را باکمک اسرائیل جدا و مستقل کرده و در "امن و آسایش" زندگی کنند (واز شر فارسهای شونویست) نجات یابند.

چگونه شخصی که خود را مدافع کارگران و زحمتکشان ایران می داند می رود در پارلمان فرانسه و در خدمت چنان افرادی وبه آنچنان سخنانی گوش می دهد و احساس شرم هم نمی کند. آیا ایشان مدافع حقوق زحمتکشان ایران است؟ آدم دم خروس را باور کند یا قسم حضرت عباس.

حقیقت این است که بسیاری از سازمانها و افراد به علت ضعف باورهای ایدئولوژیک و طبقاتی در خارج کشور و دور بودنشان از میدان مبارزه واقعی به مرور زمان از درون دچار شکست می شوند اما این شکست را به سادگی بیان نمی دارند ولی در واقعیت و در زندگی مادی به قوانین این شکست گردن می گذارند این که راه کارگر به دنبال کوهستانی

کشیده شد که در چنبره سولیدارتی سیر می کرد نماد همان شکست درون بود بعد از چندی و در سالگرد قتل عام اردوگاه جنین در فلسطین که به جنینگراد معروف شد، نماینده راه کارگر آقای **عیدی نعمتی** به مدت چند روز میزبان **منشه امیر** فاشیست، سردسته تجزیه طلبان ایرانی و مدیر بخش فارسی رادیو اسرائیل گردید و طی مصاحبه ای به همراهی همسرش بر جنایات اسرائیل صحنه گذاشتند. البته تا آنجا که شنیدم و مقاله ای بسیار ارزشمند از **شالگوئی** تحت عنوان "یهودیان دیروز و فلسطینیهای امروز" ایشان به راه سازشکاران نرفته است. اما به عکس دوره قبل از رابطه با اسرائیلیها که راه کارگر به طور دائم از مقاومت فلسطین می نوشت و دفاع می کرد اکنون نه فقط از جنبش فلسطین بلکه هیچ موضعگیری جدی علیه امریکا هم دیده نمی شود. در گذشته یکی از اعضای راه کارگر به نام **ابراهیم اوخ** به طور دائم در باره فلسطین می نوشت اما اکنون فلسطین را فراموش کرده است و به قول سعدی:

" همه کس دندان به ترشی کند شود مگر قاضی را که به شیرینی ".

من امیدوارم کسانی که در ایران هستند و از نزدیک دستی بر آتش دارند در برابر این توطئه استعماری سکوت و یا سهل انگاری نکرده و بکوشند با نوشتن توماری و یا دادن اطلاعیه ای این بازی ضد کارگری را به هم بزنند ملت بزرگ ایران، روشنفکران مبارز و فرهیخته و کارگران ایران، با سابقه مبارزاتی توانائی آن را دارند و می توانند بدون هرگونه دخالت بیگانگان مشکلات و معضلات خود را حل کنند و نوکران بیگانه در خارج بدانند که **عارف قزوینی** شاعر انقلاب مشروطه برای آزادیخواهی اینگونه سروده است:

**کسی که رو به سفارت پی امیدی رفت دهد مژده که لال و کرو خموش آمد. احمد مزارعی**

افزوده:

و فراموش نکنیم که یک سر داستان توطئه علیه طبقه کارگر و منافع ملت ایران و یکی پای مهم گسترش ناتوی فرهنگی با کاروان حقوق بشر و دفاع از حقوق زن و کودک و غیره که به قطع یقین از سوی اولترا لیبرالیسم آنگلو ساکسون برای تجاوز به حقوق ملت ها به کار برده می شود، خود جمهوری اسلامی به عنوان بخشی از طبقه حاکم ایران- سرمایه داری وابسته و معامله گر است.

آن چه را که جمهوری اسلامی به عنوان دولتی برآمده از استعمار و در خدمت استعمار واپس می زند، استعمار آن را به عامل نفوذ بیشتر علیه ملت ایران تبدیل می سازد. بیشتر، چون که اسلام به طور کلی و جمهوری اسلامی ایران به اندازه کافی به خواست های استعمار پاسخ مثبت می دهد و از جنس آن است. در نتیجه موضوع زیاده خواهی می باشد. از دیدگاه من به قطع یقین مبارزه علیه جریان هائی مانند حقوق بشر به عنوان گله ای از انواع گله دژخیمان و هیولاهای امپریالیستی جزء مبارزه طبقاتی می باشد. ولی ریشه یابی این واقعیت تلخ که چرا این همه خائن و این همه نوکر امپریالیسم در اطراف ما وجود دارد، چرا این فرهنگ و جامعه ایرانی این همه لاشخور تولید کرده است، هنوز بر جا مانده است.

اخیراً من به این نتیجه رسیده ام که ایرانیان سرانجام باید با فرهنگ اسلامی و بنیادهای اسلامی در ایران مقابله کنند، زیرا به جزء لاینفک ایدئولوژی طبقه بورژوازی وابسته و معامله گر تبدیل شده است. این بنیادها بوده اند که به خرفتی ملی دامن زده است. ملت ایران باید به کار انقلاب فرهنگی و انقلاب اجتماعی بپردازد. ما باید آگاه باشیم که داستان جوائز امریکائی و جایزه بگیرها و تمام سرمایه گذاری های پنتاگون در رابطه با ایران در پیوند و اتحاد با اختناق و وحشتی است که دستگاه مذهبی در ایران راه انداخته است و این ترس و وحشت ملی نیز به دوره تاریخ مختصر جمهوری اسلامی ایران منحصر نیست. ولی دوستان دچار این توهم نباشیم که مشکل با براندازی - مثلاً - جمهوری اسلامی حل خواهد شد. هرگز.

مسأله براندازی جمهوری اسلامی نیست، مشکل اینجاست که ایران آلترناتیوی به جز همین هیولاهای ساخت امریکا و غرب ندارد. تلاش های ما برای افشای مدافعان حقوق بشر به عنوان عاملان تجاوز به حقوق حقه ملت ها و... موفقیت آمیز نخواهد بود. یعنی نباید انتظار داشته باشیم که موفقیتی به دست آورد. مقصر این وضعیت - یک پای ثابت این وضعیت - خود جمهوری اسلامی ایران است. توقف نقد و ممنوعیت نقد و پیشرفت در همان نخستین صفحه کتاب آسمانی دیده می شود. این برگ آسمانی اکنون بر تمام تار و پود فرهنگ ما حاکم شده و باید خودمان را از آن آزاد سازیم. تفکر ممنوع، نوکری و فرمانبرداری بی چون و چرا و بی نقد و دلیل و برهان آری! به همین علت نیز هست که در یکی از ترجمه های اخیر آقای احمد مزارعی می توانیم گزارشی در مورد وضعیت اختراعات تاریخ معاصر کشورها را بخوانیم. سهم کشورهای اسلامی در اختراعات و ابداعات معاصر صفر بوده است. چرای آن را باید در همان برگ اول کتاب آسمانی جست و جو کنیم، چرای آن را باید در ترس و وحشت عمومی جست و جو کنیم.

حمید محوی/گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس